



مقایسه اعتبار معرفت‌شناختی درون‌نگری در روان‌شناسی شناختی و علم حضوری در معرفت‌شناسی نوصدرایی

حسن پناهی آزاد^۱

چکیده

هدف: این نوشتار، کشف پاسخ روان‌شناسی شناختی و معرفت‌شناسی نوصدرایی به پرسش از «اعتبار معرفت‌شناختی» درون‌نگری و علم‌حضوری و امکان تکیه بر این دو مفهوم در ارتباط بین اذهان بود. **روش** پژوهش، تطبیق و مقایسه دیدگاهها و راه حل ارائه‌شده از سوی دو دانش در دو محور یادشده، با استفاده از آرای مذکور در منابع مکتوب می‌باشد. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** یافته ویژه این تحقیق، توقف روان‌شناسی شناختی در مسئله و یاری جستن از رفتارهای انسان (امری خارج از قلمرو روان و شناختهای انسان) است؛ اما معرفت‌شناسی نوصدرایی، در قلمرو مباحث نفس و معرفت‌شناسی، اصالت و کارآمدی علم‌حضوری و نیز راه حل مسئله در حوزه ارتباط بین اذهان را با استفاده از توان و امکان تبدیل معلومات حضوری به معلومات حصولی و ارائه راه و لوازم سنجش صدق معلومات حصولی را ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی: درون‌نگری، علم‌حضوری، روان‌شناسی شناختی، معرفت‌شناسی نوصدرایی، ارتباط بین اذهان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دریافت مقاله: ۰۰/۰۳/۲۶؛ تصویب نهایی: ۰۰/۰۸/۱۲.

۱. استادیار گروه مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی / نشانی: قم، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی بین کوچه ۴ و ۶ پلاک ۷۲ نمابر:

Email: Hasan.panahiazad@yahoo.com / ۰۲۵-۳۲۱۱۰۱

الف) مقدمه

انتقال معانی میان اذهان انسانی از طریق زبان، که توانایی ویژه انسان در تولید و کاربرد الفاظ است (آیزنک و کین، ۱۳۹۴: ۲۰؛ جامسکی، ۱۳۷۸: ۱۶۳)، انجام می‌یابد و تنها معلومات حصولی (مفاهیم و گزاره‌ها) است که از این طریق قابل انتقال‌اند، نه معلومات حضوری یا آگاهی‌های حاصل از درون‌نگری. «روان‌شناسی شناختی» درون‌نگری را و «معرفت‌شناسی نوصدرایی» علم حضوری را به ویژگی‌هایی همانند و همگون، از جمله اختصاصی شخص بودن، انتقال‌ناپذیری، وصف‌ناپذیری و... وصف می‌کنند. از این دست اوصاف، عدم اعتبار این دو مفهوم در فرایند انتقال علوم و ایده‌ها میان اذهان انسانی و به عبارتی دیگر؛ عدم اعتبار معرفت‌شناختی این دو از دیدگاه دو دانش‌یاد شده به دست می‌آید. این نگاه سلبی به این دو مفهوم، در حالی است که در تبادل آرا و احکام و گزارش حالات اشخاص به همدیگر و ارتباط بین اذهان انسانی، حجم عمده‌ای از تبیینها، استدلالها، رفتارها و... بر حد وسط‌های برگرفته از ادراکات شخصی؛ یعنی معلومات حضوری یا درون‌نگری بنا می‌شود. پرسش نوشتار حاضر این است که: اعتبار معرفت‌شناختی درون‌نگری و علم حضوری از دید دو دانش‌یاد شده چیست و آیا راه حلی از سوی این دو دانش برای این چالش مورد تصور ارائه شده است یا نه؟

این پژوهش، پس از بیان معنای درون‌نگری و علم حضوری، ارزش معرفت‌شناختی علم حضوری و درون‌نگری در دو دانش، را مقایسه و راه حل احتمالی ارائه شده از سوی دو دانش را جستجو و بررسی خواهد کرد.

ب) مفاهیم پژوهش

علم حضوری و درون‌نگری، دو مفهوم رایج در معرفت‌شناسی و روان‌شناسی‌اند که هر دو ماهیت معطوف به آگاهی‌های ممکن برای انسان دارند. آدمی می‌تواند با نگاه به قلمرو ادراکات شخصی خود، که قلمروی اختصاصی بوده و دیگری در آن راه ندارد و در گذر زمان تراکم و ترکیبهای متفاوتی یافته، به دانسته‌ها، تمایلات و بازآفرینی‌های خود آگاهی یابد. برای بررسی این مسئله، ابتدا دو مفهوم و دو دانش یاد شده به اختصار معرفی می‌شوند.

۱. درون‌نگری

درون‌نگری^۱، درون‌بینی و خودکاوی (خرازی، ۱۳۹۶: ۱۹۰) که از آن با عنوان «شهود»^۲ نیز یاد می‌شود، در سخنان شخصیت‌هایی مانند دکارت تبلور دارد. امروزه درون‌نگری با تعبیر خویش‌نگری نیز نامبردار است. این مفهوم در روان‌شناسی، بیشتر در قامت یک روش یا رویه شناخته می‌شود تا یک منبع شناخت؛ در عین حال، وجود این واقعیت و حصول برخی آگاهی‌ها از این روش و جدایی‌ناپذیری آن از روان‌شناسی، پذیرفته شده است (برنزه، ۱۳۹۴: ۸۵، ۱۴۰، ۱۷۱ و ۲۱۸). این واژه به «دسترس‌ی مستقیم فرد به درون خود» معنا شده و به عنوان یکی از اصیل‌ترین روش‌های مورد نیاز روان‌شناسی برای دستیابی به پدیده‌های روانی معرفی شده است (همان: ۲۱۹). این واژه، در فلسفه ذهن معاصر نیز به معنای فرایند اطلاع یافتن مستقیم و بی‌واسطه از حالات شخصی به کار می‌رود. صدق این معنا بر معلومات، مشروط به این معیارهاست: ۱. ذهنی بودن، ۲. تعلق به اول شخص، ۳. نزدیک بودن به لحاظ زمان، ۴. مستقیم بودن، ۵. قابل تشخیص بودن و... برای مثال، اینکه «من این احساس را در درون خود به صورت شخصی و واضح می‌یابم که دردی در انگشتان پا دارم»؛ واضح است که این ادراک، کاملاً از مشاهده شخصی نشسته روی صندلی روبه‌روی که روزنامه‌ای در دست دارد، کاملاً متفاوت است. این دیدگاه، حالات، امیال، باورها، قصدها، عواطف، تخیلات و تجربه‌های آگاهانه از خویش‌نگری را آگاهی‌های برآمده از درون‌نگری می‌داند. (شوینسگیل، ۱۳۹۳: ۱۳۰-۱۳۱ و ۲۰)

۲. روان‌شناسی شناختی

یکی از عرصه‌های نوپدید مرتبط با شناخت و ذهن انسان، «علوم شناختی»^۳ (استرنبرگ، ۱۳۹۲: ۷۲) است. با وجود پیشینه بلند سخن از شناخت و ابزارهای ادراکی انسان، علوم شناختی، از جمله روان‌شناسی شناختی، با بحث‌های روان‌شناسان مکاتبی مانند رفتارگرایی، تداعی‌گرایی، ساختارگرایی (ر.ک: چرچلند، ۱۳۹۱: ۴۷ و ۶۶؛ استرنبرگ، ۱۳۹۲: ۲۲) و سازماندهی مباحثی مانند بازنمایی پیچیده و طرز کار محاسباتی و پردازش اطلاعات ذهن، در کمتر از ۶۰ سال اخیر پدید آمده‌اند (برمودز، ۱۳۹۵: ۷-۵). با این حال، برخی معتقدند آموخته‌های نیم قرن اخیر درباره ذهن، از همه آموخته‌های پیش از این مقطع بیشتر است (فردنبرگ، ۱۳۹۵: ۲۸؛ تاگارد، ۱۳۹۶: ۱۷۵؛ سرل، ۱۳۸۸: ۵۸، ۵۹ و ۸۴). روان‌شناسی شناختی در پی این رخدادها ظهور یافت: ناکامی رفتارگرایی، ظهور نظریه ارتباط، زبان‌شناسی جدید، تحقیقات درباره حافظه، علوم رایانه‌ای (آیزنک و کین، ۱۳۹۴: ۱۲)

۱. Introspection

۲. Intuition

۳. Cognitive Sciences

۴. کتاب «ماده و آگاهی» (Matter and Consciousness)، اثر پاول چرچلند، سیر تاریخی دیدگاه‌ها به این مسئله را بیان می‌کند.

۳. معرفت‌شناسی نوصدرایی

معرفت‌شناسی نوصدرایی، بخشی از حکمت اسلامی و امتداد نظام معرفت‌شناسی صدرالمآلهین است که به دست علامه طباطبایی و با تألیف کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» تأسیس شد. این دانش علاوه بر شرح، بسط و تکمیل آرای معرفت‌شناختی صدرالمآلهین، در صدد کاربست مبانی و دلایل حاصل از تحقیقات خود در عرصه دین‌پژوهی است (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲: ۸۹؛ ج ۳: ۳۳-۳۰). این دانش در صدد است همه انواع و اقسام آگاهی‌های ممکن برای انسان، اعم از حضوری و حصولی و جزئی و کلی و تصور و تصدیق و... را شناسایی و معیار تشخیص صدق و کذب و راههای تأمین ارزش و اعتبار آنها را ارائه کند. (خسروپناه و پناهی آزاد، ۱۳۸۸: ۲۳-۲۰؛ خسروپناه، ۱۳۹۸: ۴۹-۴۸)

۴. علم حضوری

معرفت‌شناسی نوصدرایی، حقیقت معرفت را همان علم حضوری می‌داند که در آن، وجود معلوم با وجود علم یکی است؛ یعنی معلوم با همه وجود و هویت خود برای عالم حاضر است، نه با مفهوم یا صورت حکایتگر و ذهنی (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۲۹۴). این معیار، دقیق‌تر از معیارهایی است که در مکاتب پیش از علامه انتخاب شده است (ر.ک: خسروپناه، ۱۳۹۸: ۹۹). حکمای اسلامی از جمله معرفت‌شناسان نوصدرایی، حقیقت علم و آگاهی را همین قسم از علم دانسته و علم حصولی را تابع آن می‌شمارند. ملاک منتخب معرفت‌شناسی نوصدرایی در تقسیم علم به حصولی و حضوری، همین است که اگر معلوم از سنخ وجود بود، علم حضوری تحقق یافته و اگر از سنخ مفهوم یا صورت ذهنی بود، علم حصولی تحقق یافته است (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۴۶-۴۷؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۱۷۳ و ۲۰۰). از جمله ویژگی‌های علم حضوری، بی‌نیازی از صورت ذهنی، تقسیم‌ناپذیری، انتقال‌ناپذیری، وصف‌ناپذیری و... است. (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۲۹-۲۸؛ ر.ک: خسروپناه، ۱۳۹۸: ۹۹-۹۴)

(ج) پیشینه پژوهش

سخن از چیستی آگاهی‌های انسان و کارکرد آنها در ابعاد شخصی، جمعی، نظری و رفتاری، در علوم مختلف از جمله دو دانش یادشده، آثار مختلفی را به خود دیده است. درون‌نگری، مدخلی از دانشنامه استفورد را به خود اختصاص داده که در آن چیستی، دیدگاهها و ارزیابی روان‌شناسانه آن ارائه شده است (ر.ک: شونیسگیل، ۱۳۹۳). کتاب علم حضوری (فناپی اشکوری، ۱۳۸۸)، مجموعه مسائل این مفهوم را در حکمت اسلامی معطوف به دو جنبه هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی ارائه کرده است. اما مقاله هم‌افق با نوشتار حاضر، با عنوان «درون‌نگری، گواهی و حافظه در نظام فلسفی ملاصدرا و دکارت» (کاکانی و رهبر، ۱۳۹۲: ۱۲۲-۱۰۱)، نگاهی تطبیقی به دیدگاه دو شخصیت مذکور داشته و به نتیجه رسیده است که این دو شخصیت،

درون‌نگری را از منابع معرفت یقینی دانسته و می‌پذیرند که انسان می‌تواند از این راه به کسب معرفت بپردازد. اما بررسی تطبیقی ارزش معرفت‌شناختی دو مفهوم با نگاه به راه حل احتمالی برای چالش هر یک از مفاهیم نوشتار حاضر، در اثر مستقلی به دست نیامد.

د) چستی و اعتبار درون‌نگری در روان‌شناسی شناختی

درون‌نگری، علاوه بر روان‌شناسی، در دانش فلسفه ذهن نیز بررسی می‌شود. در ادامه، چستی درون‌نگری و اعتبارسنجی آگاهی‌های برگرفته از درون‌نگری و سپس راه حل این دانش نسبت به چالش یادشده ارائه می‌شود.

۱. چستی درون‌نگری و آگاهی درون‌نگرانه

روان‌شناسی امروزی، در شاخه‌هایی از جمله روان‌شناسی شناختی، درون‌نگری را در عین تلقی به عنوان یک روش و رویه، منشأ معرفت دانسته، در تقریرهای مختلف، یافته‌های شخص از ملاحظات درون خود را مصادیقی از معرفت می‌شمارد؛ اما معرفت به خود را، ضمن تشریح تفاوت جدی با آگاهی نسبت به خارج، نخستین معرفت برآمده از درون‌نگری می‌شناسد. (شونیسگیل، ۱۳۹۳: ۱۹، ۲۳، ۳۱ و ۳۲)

روان‌شناسی، در منابع مشهور، درون‌نگری را قدیمی‌ترین و اساسی‌ترین رویه گردآوری اطلاعات در مطالعات بالینی شناسایی کرده و در عین تصریح به اینکه کاربرد این روش نتایج مهمی به دنبال دارد، اعتبار و ارزش معلومات منبعث از آن را محکوم به بی‌اعتباری کرده است؛ زیرا بر آن است که این رویه به هیچ وجه از دخالت باورهای شخصی و غیر قابل اعتماد و ارزیابی در امان نیست (کاوایانی و زارعان، ۱۳۸۹: ۱۳۳). برخی دوگانه‌انگاران، با تکیه بر وجود تجارب غیر عینی انسان، از جمله افکار، باورها و امیال را غیر از حالت‌های فیزیکی مغزی دانسته و تحقق آنها را بر اساس درون‌نگری پذیرفته‌اند (فردنبرگ، ۱۳۹۵: ۶۹). پیروان روان‌شناسی گشتالت نیز بدون سختگیری، در مراحل مطالعه ادراک، با مواجه کردن آزمودنی با محرکها، تجربه فردی خود او را ملاک قرار می‌دهند و او را آزاد می‌گذارند تا از روش درون‌نگری و درک آنی خود راه حل‌هایی را پیدا کند (همان: ۱۱۹). رفتارگرایان و نورفتارگرایان، مشاهده خود یا درون‌نگری را که ابزار مهم روان‌شناسی کلاسیک بوده، مورد نقد قرار داده و از اشکالات این روش، از جمله قانون‌مند نبودن، اطمینان‌بخش نبودن، غیر آگاهانه بودن، امکان تداخل با تجربیات ذهنی دیگر و تمام‌نمای ذهن نبودن سخن گفته‌اند. در مقابل، برخی آن را در عین حال که ناقص می‌دانند، ضروری نیز دانسته و گفته‌اند درون‌نگری جزء جدایی‌ناپذیر روان‌شناسی است و بدون آن، ساده‌ترین آزمایش روانی جسمی عملی نیست (شکرکن و همکاران، ۱۳۸۷: ج ۲: ۸۳ ر.ک: فردنبرگ، ۱۳۹۵: ۱۳۱). برخی رفتارگرایان، در بحث انتساب رفتارها به هدف و دخالت و تأثیر آگاهی در رفتار تجربه آگاهانه هدفمندی را فاقد هر نوع ارزش و اهمیتی در رفتارهای موجود زنده دانسته و مدعی شده‌اند

۳۲۸ ♦ مقایسه اعتبار معرفت‌شناختی درون‌نگری در روان‌شناسی ...

آنچه پذیرفته است، پاسخی است که در رفتار آشکار باشد. اطلاع آگاهانه از هدف، موضوعی خصوصی در درون هر موجود زنده است و چون در اختیار ابزارهای علمی نیست، در قلمرو علم جایی ندارد. ارائه‌کننده این دیدگاه از این مثال استفاده می‌کند که «من هرگز نمی‌توانم احساس خود را از رنگ قرمز به دیگری منتقل کنم؛ تنها می‌توانم به شیء قرمز رنگ اشاره کنم، نسبت آن را با نارنجی بیان کنم و بگویم قرمز، سبز نیست، شاد است و...؛ اما نمی‌توانم احساس شخصی‌ام در این باره را توصیف کنم. آنچه خصوصی است، در قلمرو علم قرار ندارد» (شکرکن و همکاران، ۱۳۸۷، ج ۲: ۹۳). این سخن، در مقابل رویکردی قرار گرفته که با مهم و ارزشمند دانستن درون‌نگری، آزمایشهایی را در راستای یافتن پاسخها و راه‌حلهایی بر اساس اطلاعات برگرفته از درون‌نگری آزمودنی، سازمان داده و برای این یافته‌ها ارزش قابل توجهی مد نظر دارد. (ر.ک: فردنبرگ، ۱۳۹۵: ۱۳۶-۱۳۴)

رویکرد «درون‌نگری علمی» در روان‌شناسی شکل گرفته و خود را برخوردار از آرای فلسفی درباره شناسایی ذهن انسان و درون‌نگری می‌داند. این شعبه، گرچه در مقطعی از تاریخ با انتقادهای شکاکانه افول کرد؛ اما در هیچ مقطعی به طور کامل کنار نهاده نشد و در چند دهه اخیر، با ظهور زمینه میان‌رشته‌ای «مطالعات آگاهی»، مجدد وارد عرصه روان‌شناسی شده و پژوهشگرانی بر درون‌نگری و آگاهی‌های برگرفته از آن با نامهایی از جمله صورتهای خیالی سخن گفته‌اند (شونیسگیل، ۱۳۹۳: ۶۷). روان‌شناسان طرفدار درون‌نگری، امتیازات و قوت‌های آن را چنان برشمرده‌اند که در واقع منتهی به تبیین و سنجش اعتبار معرفت‌شناختی آگاهی‌های درون‌نگرانه می‌شود. از نظر ایشان، درون‌نگری خطاناپذیر، تردیدناپذیر و خوداطلاع‌بخش است؛ چنان‌که دکارت نیز از این راه برای مقابله با شکاکیت یا ارائه براهین مختلف در هستی‌شناسی و خداشناسی بهره برده است (همان: ۸۲). این مطلب با شواهد تجربی نیز تأیید شده است. (همان: ۹۷)

اکنون بر اساس آنچه در منابع روان‌شناسی ملاحظه شد، با نگاهی معطوف به ماهیت شناختی درون‌نگری، می‌توان گفت از نگاه روان‌شناسی، درون‌نگری و آگاهی‌های منبعث از آن، ویژگی‌های ذیل را دارند: ۱. واقعیت‌هایی ادراکی‌اند، نه صرفاً زیستی؛ و ذاتاً از سنخ آگاهی به شمار می‌روند؛ ۲. برای خود شخص آگاهی‌بخش و منشأ معرفتهای دیگرند؛ ۳. ادراکاتی در حد خود، خطاناپذیرند؛ ۴. انحصاری هر شخص‌اند و شخص دیگر راهی به آنها ندارد؛ ۵. قابل انتقال نیستند؛ گرچه شخص می‌تواند با استفاده از زبان (استخدام الفاظ و مفاهیم) درباره آنها سخن بگوید؛ ۶. به طور جدی و واضح در رفتارهای شخص مؤثرند؛ به این معنا که بسیاری از رفتارهای اشخاص، پس از ملاحظه آگاهی‌های درون‌نگرانه صادر می‌شود.

۲. ارزش معرفت‌شناختی درون‌نگری در روان‌شناسی شناختی

برخی از نکات مندرج در نگاه روان‌شناسی به درون‌نگری به طور ضمنی بیان شد؛ اما کانون مسئله این است که آیا درون‌نگری و آگاهی‌های برگرفته از این روش، در ارتباط بین اذهان، اعتبار معرفت‌شناختی دارد؟ این روش در روان‌شناسی، قدیمی‌ترین رویه برای جمع‌آوری اطلاعات بوده که ممکن است علمی یا غیر علمی باشد (بونزه و آردیلا، ۱۳۹۳: ۲۱۹-۲۱۸). این روش همانند مشاهده در مطالعات طبیعی و تجربی است و تنها تفاوت آن، درونی و اختصاصی بودن اطلاعات به دست آمده است. شخصیت‌های این دانش در پذیرش یا انکار این رویه، مواضع متفاوت یا مخالف دارند. برخی درون‌نگری را دارای ارزش علمی دانسته و در روان‌شناسی بالینی کارآمد می‌شمارند و برخی به دلیل انحصاری بودن، درون‌نگری را فاقد اعتبار علمی می‌دانند. رفتارگرایان و نورفتارگرایان، درون‌نگری را به جد نقد و نفی کرده، آن را ناقص می‌دانند و برای دیدگاه خود به اوصاف درون‌نگری استناد می‌کنند که عبارتند از: قانونمند نبودن، قابل اطمینان نبودن، آگاهانه نبودن برخی حالات درون‌نگرانه، احتمال تداخل با تجربیات ذهنی دیگر و محدودیت زبان، به معنای تمام‌نما نبودن زبان نسبت به واقعیات درونی یا ذهنی شخص (کاوایی و زارعان، ۱۳۸۹: ۱۳۳؛ شویتسگیل، ۱۳۹۳: ۷۲). بر این اساس، برخی معتقدند مباحث امروزی زمینه‌شناخت و فرایندهای ذهنی، همانند قرن نوزدهم، مبتنی بر درون‌نگری نیست. (آیزنک و کین، ۱۳۹۴: ۱۲)

اکنون باید از صاحبان این دیدگاه، که درون‌نگری را فاقد اعتبار معرفت‌شناختی در ارتباط بین اذهان و راه ارزیابی و کشف صدق و کذب آن دشوار یا منسد دانسته‌اند، پرسید آیا راهی برای رفع این چالش با وجود حجم انکارناشدنی گزاره‌ها، قضاوتها، نفی و اثباتها و رأی‌های مبتنی بر درون‌نگری وجود ندارد؟ آیا مفاهیم، الفاظ و زبان در این زمینه نقشی دارند؟ آیا اساساً با نفی ارزش درون‌نگری، راه معتبری برای تبادل آرا میان اذهان انسانها باقی می‌ماند؟

پاسخها یا راه حلها در این خصوص چندان روشن نیست؛ زیرا چه گروهی که درون‌نگری را به عنوان منبع و منشأ معرفت پذیرفته‌اند و چه گروهی که آن را رد کرده‌اند، راه تأمین اعتبار معرفت‌شناختی یا دلیل رد این اعتبار از درون‌نگری را تبیین نکرده‌اند. این در حالی است که در سخنان هر دو گروه، به تصریح یا ضمنی، به عنصر زبان و انتقال داده‌ها میان اذهان از راه زبان اشاره شده است.

تنها راه حل ارائه شده، از سوی منکران اعتبار درون‌نگری، «ضمیمه کردن درون‌نگری به یافته‌های فیزیولوژیک» است. بونزه تصریح می‌کند که یافته‌های درون‌نگری باید به کمک یافته‌های فیزیولوژیک تکمیل شود تا بتوان به آن اعتماد کرد. تکیه صرف بر درون‌نگری پذیرفته نیست (کاوایی و زارعان، ۱۳۸۹: ۱۳۳). برخی آثار، این نگاه را انتخاب عینی‌گرایی محض دانسته و به بررسی آن پرداخته‌اند؛ همچنان که روان‌شناسی شناختی با اهتمام به مسائل ویژه و نوین مانند زبان، حافظه و علوم رایانه‌ای، خود را مبتنی بر مطالعه فرایندهای ذهنی از طریق تمرکز بر رفتارهای ظاهری معرفی می‌کند (آیزنک و کین، ۱۳۹۴: ۱۲). این التزام، در عین استفاده از مواد و مصالح اولیه ادراکی درون‌نگرانه در روان‌شناسی شناختی رایج است. برای مثال،

۳۳۰. مقایسه اعتبار معرفت‌شناختی درون‌نگری در روان‌شناسی ...

در مقوله قضاوت و تصمیم‌گیری، بررسی‌هایی شکل گرفته که به وضوح دلایل برخی رفتارها یا پدیده‌ها را امور ذهنی افراد مختلف جامعه (به معنای جامعه آماری مورد مطالعه) می‌داند؛ اما در عین حال، در مقام ارزیابی، استنتاج و استدلال، تنها به رفتارهای به ظهور و عینیت خارجی رسیده استناد می‌کند. برای مثال، در مسیر نظرسنجی نسبت به مسئله مرگ و میر در اثر عواملی مانند قتل یا خودکشی، یا احتمال موجود در ذهن افراد نسبت به بروز جنگ یا ترور، تنها به روش اکتشافی دسترسی‌پذیر، مانند رفتارهایی متناسب با تأمین امنیت یا دوری از حادثه تکیه می‌کند و از مراجعه به مؤلفه‌های ادراکی درون‌نگرانه اشخاص خودداری می‌کند. طرفداران این نوع جمع‌آوری اطلاعات و آمار می‌گویند: «متوجه شده‌ایم که دلایلی برای هر پدیده دارای احتمال ذهنی بالاتر به خاطر یک حادثه توصیف‌شده صریح نسبت به یک حادثه کمتر تصریح‌شده وجود دارد. تصور می‌کنیم که کارشناسان این پدیده را بیان نمی‌کنند؛ زیرا کارشناسان با توصیف غیر صریحی که فراهم می‌کنند، می‌توانند جزئیات معلوماتشان را احتمالاً کامل کنند» (همان: ۱۸۳-۱۸۲).

ه) چستی و اعتبار علم حضوری در معرفت‌شناسی نوصدرایی

معرفت‌شناسی نوصدرایی، علم حضوری را حقیقت و ریشه آگاهی‌های انسان و اعتبار معرفت‌شناختی علوم حصولی را به تکیه بر آن می‌داند. با این وجود، انحصاری هر شخص بودن، غیر قابل دسترسی بودن برای دیگران و غیر قابل انتقال بودن در رابطه بین اذهان را از ویژگی‌های علم حضوری می‌داند. بدین ترتیب، پرسش از اعتبار معرفت‌شناختی علم حضوری، همانند آنچه درباره درون‌نگری طرح شد، پدیدار می‌شود. در ادامه، چستی و ارزش معرفت‌شناختی علم حضوری و راه حل معرفت‌شناسی نوصدرایی نسبت به چالش مد نظر نوشتار حاضر ارائه می‌شود.

۱. چستی علم حضوری در معرفت‌شناسی نوصدرایی

علم حضوری از نظر معرفت‌شناسی نوصدرایی، قسمی از آگاهی است که بی‌نیاز از صورت حکایتگر، خطاناپذیر، تقسیم‌ناپذیر، بی‌نیاز از واسطه در ادراک، متحد با عالم و معلوم، بی‌نیاز از ابزار و قوه ادراکی، زیربنای علم حصولی، دارای شدت و ضعف، غیر متصف به قواعد منطقی و مفهومی و وصف‌ناپذیر است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۶: ۲۷۳-۲۷۲؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۷۵ و ۲۱۹؛ جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۴۵). نخستین برهان مستقل و مختص برای اثبات علم حضوری نفس به ذات خود، به عنوان نخستین مصداق علم حضوری، توسط شیخ اشراق ارائه شد. اگر انسان (نفس) به ذات خود توسط صورت ذهنی عالم باشد، دو حالت متصور است: یا نمی‌داند آن صورت متعلق به ذات اوست، که این حالت همان جهل و خلاف فرض مسئله است؛ یا متعلق آن صورت (نفس خود) را می‌شناسد. لازمه این فرض این است که پیش‌تر به نفس خود عالم باشد تا صورت را به خود نسبت دهد. در مقابل، فرض قابل ذکر این است که آن صورت با صورت دیگر و آن

حسن پناهی آزاد ♦ ۳۳۱

صورت با صورتی دیگر و... برای انسان معلوم باشند و این فرض، منتهی به تسلسل خواهد شد؛ یا علم به صورت با ذات نفس و علم به ذات نفس با صورت تحقق یابد، که این فرض نیز به دور مصرح می‌رسد. در نتیجه علم به ذات، مقدّم و بی‌نیاز از صورت ذهنی است و از طریق ارتباط وجودی نفس با خود تحقق دارد (سهروردی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۱۱-۱۱۲). معرفت‌شناسی صدرایی و نوصدرایی، علم نفس به قوای ادراکی و حالات باطنی خویش را نیز حضوری می‌داند (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۸۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۷۳؛ صدر، ۱۳۷۸: ۲۳۶-۲۳۴) از دیدگاه این مکتب، آگاهی انسان از قوای ادراکی و تحریکی و حالات روانی، احساسات و عواطف خود مانند ترس، درد و... نیز حضوری و با عین واقعیت خود برای نفس حاضر است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۲۰)

۲. ارزش معرفت‌شناختی علم حضوری در معرفت‌شناسی نوصدرایی

اکنون که ماهیت علم حضوری در معرفت‌شناسی نوصدرایی ارائه شد، پاسخ معرفت‌شناسی نوصدرایی به پرسش یادشده از ارزش معرفت‌شناختی علم حضوری بیان می‌شود. چنان‌که اشاره شد، معرفت‌شناسی نوصدرایی علم حضوری را سنگ‌بنای شناختهای انسان می‌داند. در این مکتب، گرچه ارتباط بین اذهان با علم حصولی برقرار می‌شود، اما همه علوم حصولی نیازمند علم حضوری نفس به خود و ابزارهای ادراکی خود می‌باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۲۳۷)

معرفت‌شناسی نوصدرایی راه حل مسئله را در ضمن تبیین کارایی معرفت‌شناختی علم حضوری تبیین کرده است. برخی از ابعاد کارآمدی علم حضوری و نیاز علوم حصولی به علم حضوری در این مکتب، به ترتیب ذیل قابل بیان است:

۱. صور ذهنی، که از راه زبان در ارتباط میان اذهان بیان و منتقل می‌شوند، دو حیثیت دارند؛ نخست، حیثیت کشف از واقعیتها و دوم، حیثیت تعلق وجودی به نفس. صور ذهنی با لحاظ حیث وجودی، متعلق به نفس و معلوم حضوری نفس‌اند و این نفس است که با استفاده از زبان، به عنوان ویژگی خاص انسان، آگاهی‌های خود را به ذهن دیگری منتقل می‌کند. (مصباح یزدی، ۱۳۶۳/الف: ۲۶۸؛ همو، ۱۳۶۳/ب: ۳۵۱)

۲. از دیدگاه علامه طباطبایی، علم حصولی، که انتقال‌پذیر است، اعتباری عقلی و برگرفته از مرتبۀ تجرّد مثالی یا عقلی حاضر برای نفس است و نفس با توان خود و بررسی عقلی، آن را به عنوان راهی برای ارتباط بین اذهان می‌گشاید: «العلم الحسولی اعتبار عقلی یضطرّ الیه العقل مأخوذ من معلوم حضوری هو موجود مجرد مثالی او عقلی حاضر بوجوده الخارجی للمدرک و ان کان مدرکاً من بعید». (طباطبایی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۱۳۹ و ۲۴۵)

از نظر ایشان، نفس که ذاتاً در مرتبۀ مثالی یا عقلی استقرّا دارد، هنگام ارتباط با خارج از طریق حواس ادراکی ظاهری، موجود مثالی و عقلی را می‌یابد؛ سپس صورتی لئفسه از آن مبده اخذ می‌کند که حضوری و مطابق با موجود مورد ادراک خارجی است و موجب برقراری تطبیق میان خود و متعلق مادی خود از

۳۳۲ ♦ مقایسه اعتبار معرفت‌شناختی درون‌نگری در روان‌شناسی ...

سوی نفس می‌شود. نفس از این طریق، به عینیت صورت و محکی آن نایل و علم حصولی محقق می‌شود (همان: ۲۸۶). بنابر این، علم حصولی یک اعتبار و انتزاع عقلی متأخر از علم نفس به ذات خویش است (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۵۶) که عقل آدمی ناچار است بدان تن در دهد؛ ولی در واقع از یک معلوم حضوری (موجود مجرد مثالی یا عقلی) انتزاع شده است.

۳. واقع‌نمایی (حکایتگری) ذاتی علم حصولی است. از این رو، صدق به انطباق علم حصولی، با واقع مورد حکایت آن است. لازمه این امر این است که ابتدا متعلق انطباق با علم حضوری یافته شده باشد و آنگاه علم حصولی از آن گرفته شود. از اینجا روشن می‌شود پی بردن به کیفیت تکثرات و تنوعات علوم و ادراکات، نیازمند توجه به اصل آن ادراکات است. ریشه ادراکات متکثر، علم حضوری نفس به خود و ابزارهای ادراکی خویش است. از این رو، علم حضوری است که به واسطه سلب منشیت آثار، به علم حصولی تبدیل می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج ۶: ۲۷۱)

بنابر این، معرفت‌شناسی نوصدرایی نه تنها علم حضوری را انکار نمی‌کند، بلکه آن را منبع اصیل و ریشه معرفت‌های انسان می‌داند و در عین حال که این قسم از علم را انتقال‌ناپذیر می‌داند، راه تبدیل این علم به معلومات حصولی را در ارتباط متقابل اذهان ارائه کرده است. این راه، همان توانایی نفس بر استفاده از قوای ادراکی، به ویژه عقل و ساخت و توسعه مفاهیم و صور ذهنی انتزاعی متناظر و مطابق با معلومات حضوری و ارائه آن در قالب الفاظ و زبان به دیگران است. این راه حل، با ضمیمه به این نکته نیز تکمیل و روشن‌تر می‌شود که: نفس می‌تواند بدون تکیه بر امور حسی یا ملاحظه و مشاهده و تکیه بر رفتارهای محسوس، مفاهیم مختلف مفرد یا مرکب را تولید و در ارتباط بین اذهان سامان دهد. بنیان علوم متشکل از گزاره‌ها (علوم حصولی)، نخست علم حضوری نفس (به ذات و قوای خود) و سپس توانایی نفس در استخراج و تولید و فراوری معلومات حصولی از معلومات حضوری است. شرح مطلب در مباحث نوین و دقیق معرفت‌شناسی صدرایی و نوصدرایی با عنوان «معقولات ثانیه فلسفی و منطقی» (فتابی اشکوری، ۱۳۸۷: ۷۴، ۹۹-۹۸) ارائه شده است.

معرفت‌شناسی نوصدرایی با ملاحظه رفتارها در ارزیابی اندیشه‌ها مخالفتی ندارد؛ اما آن را راه انحصاری ارزیابی اندیشه‌ها و باورها و آگاهی‌های انسان نمی‌داند؛ بلکه سازوکاری مستقل و مفصل با عنوان «نظریه مطابقت» و «نظریه میناگرایی» را در تعریف صدق و اثبات صدق گزاره‌ها و آگاهی‌های ممکن‌الحصول برای انسان ارائه می‌کند. نکته‌ای که معتقدان به انحصار راه ارزیابی حالات ذهنی در ملاحظه رفتارها، خود از آن راه و مبانی استفاده می‌کنند.

(و) نتیجه و تطبیق

حاصل مطالب در دو دانش نسبت به دو مفهوم مورد بحث، بدین صورت است:

۱. محورهای مشترک روان‌شناسی شناختی و معرفت‌شناسی نوصدرایی نسبت به دو مفهوم عبارتند از:
یک) درون‌نگری و علم حضوری در دو دانش، ماهیت معرفت‌شناختی دارند؛ به این معنا که هر دو دانش دست کم در قلمرو ادراکات شخصی، این دو را به عنوان منشأ برخی آگاهی‌ها می‌پذیرند؛
دو) درون‌نگری و علم حضوری در دو دانش، ویژگی‌های همانند دارند؛ از جمله انتقال‌ناپذیری در ارتباط بین اذهان.

۲. مسئله قابل ملاحظه در موضع این دو دانش نسبت به دو مفهوم این است که:

یک) روان‌شناسی شناختی با وجود اعتراف به ارزش و اهمیت درون‌نگری، با تکیه بر آگاهی‌های درون‌نگرانه مخالف است و آن را قابل اعتماد نمی‌داند؛

دو) معرفت‌شناسی نوصدرایی، علم حضوری را ریشه و حقیقت همه آگاهی‌های انسان می‌داند.

۳. راه حل ارائه شده این دو دانش این است که:

یک) روان‌شناسی در شاخه‌های مختلف، از جمله روان‌شناسی شناختی، راه استفاده از آگاهی‌های درون‌نگرانه را تکیه و ضمیمه آنها به رفتارهای انسانی می‌داند؛

دو) معرفت‌شناسی نوصدرایی با اصل قرار دادن علم حضوری، راه اعتماد به آن را تبدیل معلومات حضوری به معلومات حصولی (مفاهیم و گزاره‌ها) توسط نفس با استفاده از ابزارهای ادراکی، به ویژه عقل می‌داند؛ همان ابزاری که همه علوم مورد تبادل بین اذهان از آن استفاده و بر آن اعتماد دارند.

پیشنهاد

آنچه به عنوان راه حل و پاسخ معرفت‌شناسی نوصدرایی به مسئله مورد بحث ارائه شد، با مراحل دیگری تکمیل و تحکیم می‌شود و آن پاسخ به مسئله صوق و حقایق گزاره‌های حصولی است که توسط نفس و بر اساس علوم حضوری تولید و ارائه می‌شوند. این مسئله در مبحث مهم و کانونی ارزش و معیار معرفت در معرفت‌شناسی اسلامی (پیشاصدرایی، صدرایی و نوصدرایی) به تفصیل بحث و مبانی و ملزومات آن ارائه شده است. نگارنده امیدوار است این مسئله در امتداد نوشتار حاضر در اثری مستقل ارائه شود.



منابع

- آیزنک، مایکل وی و مارک تی. کین (۱۳۹۴). **روان‌شناسی شناختی**. زبان و تفکر. ترجمه حسین زارع و مهدی باقرپسندی. تهران: کتاب ارجمند.
- استرنبرگ، رابرت (۱۳۹۲). **روان‌شناسی شناختی**. ترجمه کمال خرازی و الهه حجازی. تهران: سمت.
- برموز، هوزی (۱۳۹۵). **نظریه‌های علم شناخت**. ترجمه سید کمال خرازی. تهران: نشر دانشگاهی.
- تاگارد، پاول (۱۳۹۶). **ذهن درآمدی بر علوم‌شناختی**. ترجمه رامین گلشائی. تهران: سمت و انجمن علوم شناختی.
- چامسکی، نوام (۱۳۷۸). **زبان و ذهن**. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس.
- چرچلند، پاول (۱۳۹۱). **ماده و آگاهی**. ترجمه امیر غلامی. تهران: نشر مرکز.
- خرازی، سید کمال (۱۳۹۶). **واژه‌نامه علوم شناختی**. تهران: فرهنگ معاصر.
- سرل، جان (۱۳۸۸). **ذهن مغز و علم**. ترجمه امیر دیوانی. قم: بوستان کتاب.
- سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۷۳). **مجموعه مصنفات شیخ اشراق**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- شکرکن، حسین و همکاران (۱۳۸۷). **مکتبهای روان‌شناسی و نقد آن**. تهران: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صدر، سید رضا (۱۳۷۸). **الفلسفه العلیا**. قم: بوستان کتاب.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۳). **اصول فلسفه و روش رئالیسم**. تهران: صدرا.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۶ ق). **نهایه الحکمه**. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فردنبرگ، جی و گوردن سیلورمن (۱۳۹۵). **علوم شناختی**. ترجمه محسن افتاده‌حال. تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- فنایی اشکوری، محمد (۱۳۸۸). **علم حضوری**. قم: مؤسسه امام خمینی.
- فنایی اشکوری، محمد (۱۳۸۷). **معقول ثانی**. قم: مؤسسه امام خمینی.
- کاویانی، محمد و محمدجواد زارعان (۱۳۸۹). «نگاه مفهومی و فلسفی به برخی روشهای تحقیق در روان‌شناسی». *روش‌شناسی علوم انسانی (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)*، ش ۶۵-۶۴: ۱۴۶-۱۲۷.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۳). **آموزش فلسفه**. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۳/ب). **تعلیق علی نهایه الحکمه**. قم: مؤسسه در راه حق.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۳/الف). «ارزش شناخت». *یادنامه علامه طباطبایی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
- Aizenk, Mikel & Mark T. Kin (2015). **Cognitive psychology**. Translated by Hussein Zarei & Mahdi Bagerpasand. Tehran: Ketabe Arjmand.

- Bermudez, J. Luis (2016). **Cognitive Science**. Translated by Kamal Kharrazi. Tehran: Institiu for Cognitive science.
- Chomsky, Noam (1999). **Language & Mind**. Translated by Kourosh Safavi. Tehran: Hermes.
- Cherschland, Pael (2012). **Mater & Conciseness**. Translated by Amir Gholami. Tehran: Nashre Markaz.
- Fanaei Eshkevari, Mohammad (2009). **Knowledge by Presece**. Qom: Imam Khomeini institute.
- Fanaei Eshkevari, Mohammad (2008). **Reasonable second**. Qom: Imam Khomeini institute.
- Ferdenburge, J. & Gordon Silverman (2016). **Cognitive Sciences**. Translated by Mohsen Oftade hal. Defense Industry institute.
- Kaviani, Mohammad & Mohammad Javad Zarean (2010). “**Conceptual & Philosophical regard to researches methods in psychology**”. *Methodology of social sciences a humanities journal*, No. 64-65: 127-146.
- Kharrazi, Kamal (2017). **Glossary of cognitive science**. Tehran: Farhang Moaser.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (1984). “**Article of Knowledges Value**”. *Memorandum of Allama Tabatabaei*. Tehran: Cultural researches institute.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (1994). **Learning of Philosophy**. Tehran: Sazman Tablighat Islami.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi (1984). **Taliqa Ala Nahayat Al-Hekmah**. Qom: Dar rahe Haq Institute.
- Motahari, Mortaza (1998). **Collection of Works**. Tehran: Sadra.
- Sadr, Seyyed Reza (1999). **Falsafe Olya**. Qom. Boostane Ketab.
- Serl, John (2009). **Mind, Brain & Science**. Translated by Amir Divani. Qom: Boostane Ketab.
- Shokrkon, Hussein & Others (2008). **Pdychologies Schools & Their discussion**. Tehran: Samt.
- Sohravardi, Shahabodin (1994). **Collection of works**. Tehran: Humanities Institute.
- Sternberg, Robert (2013). **Cognitive psychology**. Translated by Kamal Kharrazi & Elahe Hejazi. Tehran: Samt.

۳۳۶ ◆ مقایسه اعتبار معرفت‌شناختی درون‌نگری در روان‌شناسی ...

- Tabatabaei, Seyyed Muhamad Hussein (1416 AH). **Nahaiatol Hekmah**. Qom: Jamaat olmodaresin.
- Tabatabaei, Seyyed Muhamad Hussein (1994). **Osule Falsafe & raveshe realism**. Tehran: Sadra.
- Tagard, Paul (2017). **Mind**. Translated by Ramin Golshaci. Tehran: Samt.

